



Vol.18, No. 36, autumn & winter 2021-2022,

Biquarterly

ISSN: 1735-3300

Jostarha@rihu.ac.ir

The Relationship Between Islamic Spirituality and Economic Development and Their Influence on Each Other

Javad Arbab* (Ph.D, Research Institute of Hawzeh and University, javadarbab@rihu.ac.ir)

Seyd Reza Hoseini (Ph.D, Professor, Research Institute of Hawzeh and University, srhoseini@rihu.ac.ir)

ARTICLE INFO

Article History

Received: 2021/12/28

Accepted: 2022/5/18

Key Words:

Islamic economics,
Spiritual originality,
Economic progress,
Bio-faith,
Islamic spirituality

ABSTRACT

The targeting of contemporary societies to achieve maximum economic growth Has had two serious consequences on the individual and social spiritual body of human beings. These include abandoning the spiritual dimension as well as trying to deviate, personalize, and use spirituality as a tool for economic purposes. Meanwhile, Islamic spirituality, with its principled, rooted and Sharia-oriented nature, is comprehensive in such a way that adherence to its principles not only does not block the path of economic progress, but also leads to revision of goals and better progress. In this research, using grounded theory, the relationship between Islamic spirituality and economic progress and the quality of their influence on each other have been investigated. The results show how the components of Islamic spirituality relate and affect the process of economic development in three foci: causal, intervening and contextual conditions. Therefore, it is necessary to first prepare the necessary platforms for the occurrence of the phenomenon by the background conditions, and in the next stage, by creating the conditions and using the intervention conditions correctly, the components of the strategy should be provided and completed. The total of positive spiritual elements presents the comprehensive strategy of “the lifestyle of the believers” to achieve economic progress in the path of excellence, growth and all-round happiness of man and expresses specific theoretical and administrative orders; On the other hand, by following the path of “secular life” and focusing on economic growth, the negative spiritual elements create dangerous consequences for mankind.

روابط و نحوه اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی

جواد ارباب (نویسنده مسئول، دکترای تخصصی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ javadarbab@rihu.ac.ir)

سیدرضا حسینی (دکترای تخصصی، استاد، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ srhoseini@rihu.ac.ir)

اطلاعات مقاله

چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۲/۲۸

واژگان کلیدی:

اقتصاد اسلامی،

اصالت معنوی،

پیشرفت اقتصادی،

زیست مؤمنانه،

معنویت اسلامی

هدف‌گذاری جوامع معاصر برای کسب حداکثری رشد اقتصادی دو پیامد جدی را بر پیکره معنوی فردی و اجتماعی انسان‌ها به دنبال داشته است. این دو پیامد شامل رهاکردن بعد معنوی و نیز تلاش برای انحراف، شخصی‌سازی و استفاده ابزاری از معنویت برای اهداف اقتصادی است. در این میان معنویت اسلامی با برخورداری از ماهیتی اصولی، ریشه‌دار و شریعت‌محور به گونه‌ای از جامعیت برخوردار است که التزام به لوازم آن، نه تنها مسیر پیشرفت اقتصادی را مسدود نمی‌کند، بلکه موجب تنقیح اهداف و پیشرفت بهتر می‌شود. در این پژوهش با استفاده از روش «داده‌بنیاد» به بررسی روابط موجود و بیان کیفیت اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی پرداخته شده است. نتایج حاصل بیانگر نحوه ارتباط و اثرگذاری مؤلفه‌های معنویت اسلامی بر روند پیشرفت اقتصادی در سه محور شرایط علی، مداخله‌گر و زمینه‌ای است. براین اساس لازم است نخست بسترهای لازم برای رخداد پدیده توسط شرایط زمینه‌ای مهیا و در مرحله بعدی با ایجاد شرایط و استفاده درست از شرایط مداخله‌ای اجزای راهبرد فراهم و تکمیل شود. مجموع عناصر ایجابی معنوی، راهبرد جامع «زیست مؤمنانه» را برای دستیابی به پیشرفت اقتصادی در مسیر تعالی، رشد و سعادت همه‌جانبه انسان ارائه و فرامین نظری و اجرایی مشخصی را بیان می‌کند؛ در مقابل عناصر سلبی معنوی با پیروی از مسیر «زیست سکولار» و با محور قرار دادن رشد اقتصادی، پیامدهای مخاطره‌آمیزی را برای بشر رقم می‌زنند.

۱. مقدمه

در نهایت ادامه روایت و یا «داستان» (واژه مصطلح در روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد) الگوی بصری توضیح و پس از جانمایی مقوله‌ها در قالب شرایط علی، مداخله‌گر و نیز زمینه‌ای در نهایت راهبرد لازم پیشنهاد گردید. در اینجا به سبب گستردگی مراحل کدگذاری، تنها نمونه‌ای از کدگذاری محوری ارائه می‌شود.

«جدول کدگذاری محوری شرایط مداخله‌گر»

مؤلفه‌ها	مفاهیم
قدرت فقر	نا توانی انسان در برابر فقر + سختی فقر + سختی تحمل قناعت + اثرهای شدید فقر در دو جهان
معنویت عامل برکت تجارت	نمو تجارت پاک + بقای اثر معنوی برای انفاق‌کننده + تفاوت برکت و رونق تجارت
اصالت نیت در فعالیت‌های مادی	اهمیت نیت در کسب مال + اهمیت ایمان و اعتقاد صحیح در روابط مالی + اهمیت نیت در کار و تلاش + اهمیت رضایت به روزی + جهاد با اموال در راه خدا
ارزش معنوی کار	آسیب تبیلی به معنویت و پیشرفت + اهمیت رنج در کار
بار بودن مادیات برای روح	سنگینی مال بر روح انسان + مال عامل احتیاج و ناراحتی بیشتر
سنت تغییر	اثر تغییر انسان‌ها بر جامعه
برتری معنویات بر مادیات	برتری خیر اخروی بر نعمات دنیا + رفاه دنیوی علامت سعادت نیست + نیکی واقعی ایمان و انفاق است + ارزش انفاق از موردعلاقه‌ها + برتری اثر معنوی بر مادیات در تألیف قلوب
لزوم حفظ حرمت روح انسان	اهمیت فریب نخوردن در معامله + حفظ عزت نفس در روابط مالی + احترام مال مؤمن
مادیات در خدمت امور معنوی	مدیریت اموال برای قوام مسلمین + بذل مال برای صلح مؤمنین
لزوم تجمل‌زدایی	برتری حیات ساده بر حیات مجلل

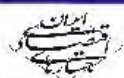
نگرش‌های گوناگون به نحوه ساماندهی نیازهای مادی، طیفی از عزلت‌نشینی تا اتراف را تشکیل می‌دهد که در این میان بر کیفیت تأمین نیازهای روحانی و معنوی بسیار تأثیرگذار است؛ در این بین آنچه اهمیت ویژه‌ای به خود می‌گیرد، کیفیت روابط و نحوه اثرگذاری عناصر معنوی بر پیشرفت اقتصادی است؛ اهمیت فوق‌العاده این موضوع در ابعاد فکری، علمی، اجرایی و سیاستی قابل رهیابی است. آمیخته بودن ساختار روحانی و جسمانی انسان از یک سو و ارتباط تنگاتنگ امور مادی و معنوی از سوی دیگر، لزوم توجه به کیفیت این روابط را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. ضمن آنکه جانشین‌ناپذیری عوامل معنوی مؤثر بر پیشرفت اقتصادی با عناصر مادی، توجه جلدی به آن را برای رسیدن به پیشرفت همه‌جانبه ناگزیر می‌سازد. مقاله حاضر درصدد آن است تا روابط و نحوه اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی را بررسی و پس از آن، پیشینه مطالعات انجام‌شده با استفاده از روش «داده‌بنیاد» (ر.ک: دانایی‌فرد و امامی، ۱۳۸۶)، روابط و نحوه اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی در منابع اسلامی را استخراج کند. در نهایت روابط موجود میان شرایط علی، زمینه‌ای، مداخله‌گر و پیامدها، الگوی بصری به‌دست‌آمده تبیین خواهد شد.

۲. روش پژوهش

با توجه به لزوم تناسب ماهوی موضوع و روش، برای کشف روابط و نحوه اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی، از «روش داده‌بنیاد» استفاده شد. نخست فرایند انتخاب کلیدواژه‌های متناسب با موضوع و جستجوی لفظی و موضوعی در آیات و منابع اصلی حدیثی با استفاده از نرم‌افزارها و کتاب‌های مرتبط برای گزینش موضوعی آیات و روایات انجام و سپس کدگذاری باز برای بیش از چهارصد گزاره مرتبط صورت پذیرفت. پس از این مرحله، کدگذاری محوری در چند محور شرایط علی، مداخله‌گر، بسترها، راهبردها و پیامدها، ذیل پدیده «اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی» انجام شد. در مرحله کدگذاری انتخابی با جمع‌بندی داده‌ها یک الگوی بصری در قالب الگوی نموداری استخراج گردید. برای تقویت اعتبار یافته‌ها و تأیید آنها به آثار مفسران به‌ویژه علامه طباطبایی رحمته‌الله و همچنین برخی یافته‌های علمی مرتبط مراجعه شد.

۳. پیشینه بحث

عسگری و توحیدی‌نیا (۱۳۸۶) با تحلیل اثر سرمایه اجتماعی در تابع رشد اقتصادی و با پرداختن به اهمیت فوق‌العاده معنویت با کلیدواژه‌های سرمایه معنوی و مذهبی، از آنها به‌عنوان اجزائی مهم در سرمایه اجتماعی اشاره می‌کنند. این نوع سرمایه جزئی از سرمایه اجتماعی است که در گذشته توجه چندانی به آن نشده، اما با توجه به عملکرد مثبت و اهمیت فوق‌العاده آن در حل مسائل اقتصادی، از آن به‌عنوان یک نوع سرمایه جدا از سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. مصباحی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم» به عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی از دیدگاه قرآن کریم اشاره کرده، نشان می‌دهند افزون بر نیروی کار، سرمایه فیزیکی و تغییرات تکنولوژیکی عوامل



مطالعات مفصل و جداگانه‌ای است؛ از این رو در این مقاله به تعریف ارائه شده برای معنویت اسلامی از سوی اندیشکده معنویت الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت، به عنوان یکی از اصلی ترین مراکز مرجع در این حوزه استناد می‌شود؛ معنویت عبارت است از: «فرارفتن از مادیت در بعد فردی؛ معطوف به جنبه‌های بینشی، گرایشی و کنشی و بعد اجتماعی معطوف به جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی براساس مبانی توحیدی» (آذربایجانی، ۱۳۹۶، ص ۱۰).

۴-۲. مفهوم پیشرفت اقتصادی

اگر مفهوم کلی پیشرفت در چارچوب آموزه‌های اسلامی را به صورت «حرکت از وضعیت موجود جامعه به وضعیت مطلوب مبتنی بر مبانی بینشی و ارزشی در چارچوب فقه و اخلاق اسلامی» (میرمعزی، ۱۳۸۹) لحاظ کنیم، می‌توان همه کنش‌ها و واکنش‌های اقتصادی ایجابی مؤثر برای حرکت یادشده را به عنوان پیشرفت اقتصادی در نظر گرفت؛ بدیهی است ابتدای وضعیت مطلوب بر مبانی بینشی و ارزشی در چارچوب فقه و اخلاق اسلامی مبین پیشرفت اقتصادی از دیدگاه اسلامی خواهد بود.

۵. بررسی و تحلیل چگونگی اثرگذاری معنویت بر پیشرفت اقتصادی

در بررسی چگونگی اثرگذاری معنویت بر پیشرفت اقتصادی (به عنوان مقوله اصلی)، براساس روش داده‌بنیاد روابط موجود در پنج گروه شرایط علی، مداخله‌گر، زمینه‌ای، راهبردها و پیامدها بررسی و تحلیل شد؛ به جهت آشنایی اجمالی با مفهوم هر یک از عناصر یادشده، در اینجا هر یک از آنها معرفی می‌شود:

مقوله اصلی (محوری): پدیده و هسته اصلی مورد مطالعه را تشکیل می‌دهد که در واقع تمام کنش‌ها و واکنش‌ها به سوی این هسته رهنمون و تلاش می‌کنند و به گونه‌ای آن را توضیح دهند؛ در مقاله حاضر تمام مقوله‌ها به نوعی کنش‌ها و واکنش‌های خود را نسبت به پدیده «اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی» نشان می‌دهند.

زمینه (بستر): به مجموعه شرایطی گفته می‌شود که پدیده در ضمن آن در حال رخداد و مطالعه است؛ برای نمونه پیشرفت اقتصادی در بستر سنت‌های الهی تحقق می‌یابد.

دیگری بر رشد اقتصادی مؤثر هستند. این مطالعه براساس مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیل گزاره‌ها به نقش برخی از عناصر معنوی در تحقق رشد اقتصادی اشاره می‌کند.

توکلی و ایزانلو (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل کارکردی سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام» با استفاده از روش تحلیلی کارکرد سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام و سبک زندگی اقتصادی در دولت رفاه را مقایسه می‌کنند. الگوی سبک زندگی اقتصادی دولت رفاه به واسطه تحریک هم‌زمان انگیزه تولید و مصرف، فشار زیادی را به منابع اقتصادی وارد کرده و با کسری‌های ممتد بازتوزیعی روبه‌رو است؛ در مقابل، الگوی سبک زندگی اقتصادی اسلامی هم‌زمان به تحریک تولید نافع، کنترل مصرف در حد کفاف و تشویق انفاق مازاد درآمد در راه خدا می‌پردازد و از این رو سبک زندگی اقتصادی اسلامی به واسطه تحقق هم‌زمان کارایی، عدالت و پایداری نسبت به سبک زندگی اقتصادی دولت رفاه برتر است.

ثابت و همکاران (۱۳۹۴) در کتاب ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام تلاش کرده‌اند تا با روشی تحلیلی به بیان مفاهیم پیشرفت در اسلام، ارائه انواع آن و نیز شاخص‌های پیشرفت از دیدگاه اسلام با توجه به منابع و حیاتی پردازند؛ مطابق با این پژوهش، از نظر قرآن پیشرفت عبارت از تربیت و تعالی معنوی بشر است. جوامع به هر اندازه که بتوانند بر موانع، قیود و یا به تعبیر قرآن «اغلال» و زنجیرهایی غلبه نمایند که استکمال و پیشرفت معنوی بشر را محدود می‌کند، به همان میزان در ابعاد مادی زندگی نیز به پیشرفت و تعالی خواهند رسید.

۴. مفاهیم

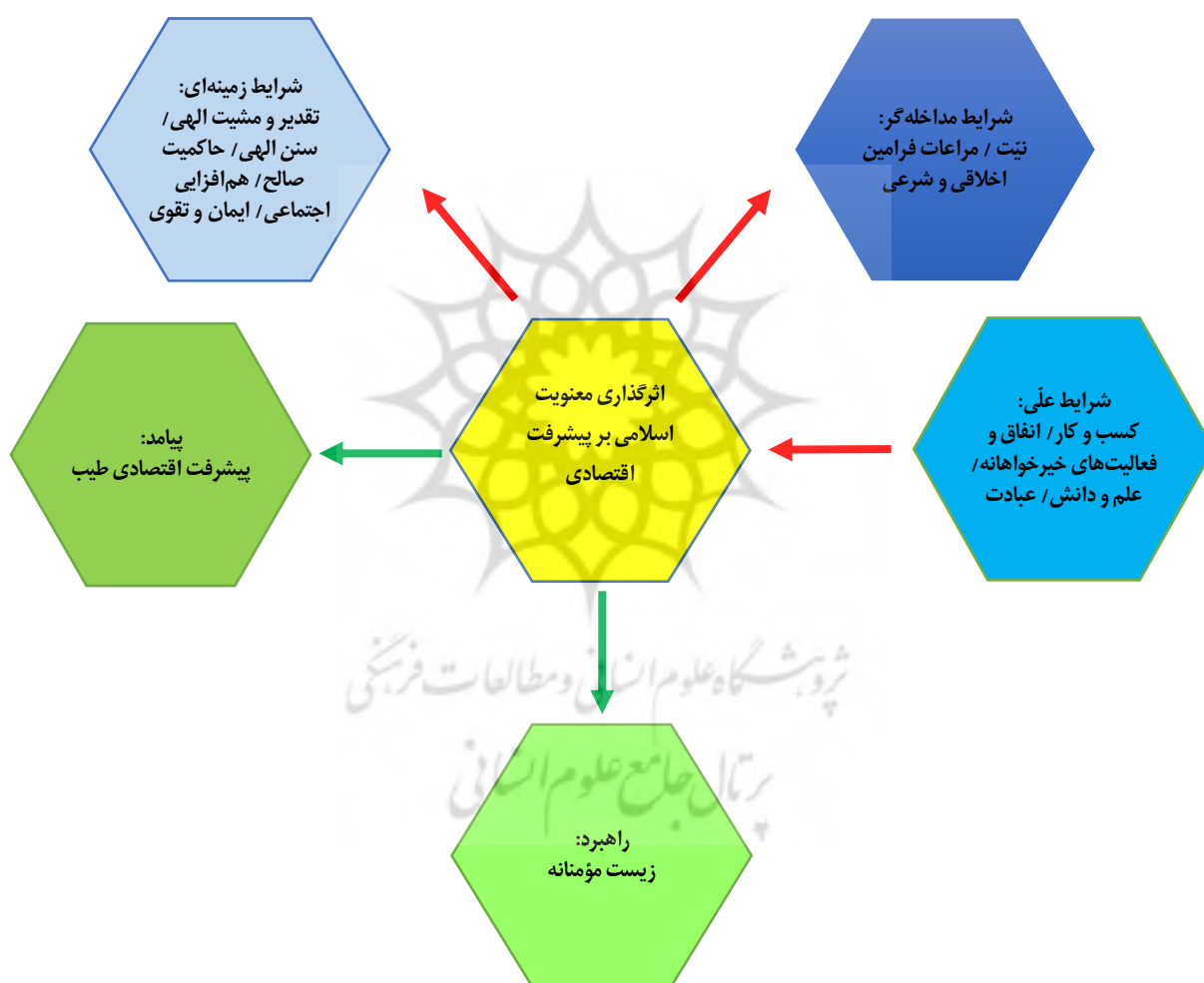
۴-۱. مفهوم معنویت اسلامی

برخورداری از اصالت مفهومی، ارزش‌مداری بر محور آموزه‌های و حیاتی، نگرش استقلالی و غیرابزاری را می‌توان از مهم‌ترین تمایزات معنویت اسلامی با سایر معنویت‌های نوظهور و خودساخته بیان کرد؛^۱ با توجه به ماهیت مفهوم معنویت و تنوع تعاریف ارائه شده، تحلیل، نقد و ارائه تعریف مستقل از معنویت اسلامی نیازمند

۱. مفهوم و نسبت معنویت اسلامی با مفاهیم معنویت در ادبیات اقتصاد متعارف در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل رویکردها و نشانه‌های معنویت در گفتمان اقتصادی با رویکرد اسلامی» تبیین و منتشر شده است.

راهبرد: راهبردها همان روش‌هایی هستند که نحوه برخورد، اداره کردن و مواجهه با پدیده اصلی را به ما نشان می‌دهند. پیامدها: نتایجی هستند که از کنش‌ها و واکنش‌های مرتبط با پدیده مورد نظر حاصل می‌شوند (رک: نصیری، ۱۳۹۹، ص ۱۳۲). بررسی پدیده مورد مطالعه در روش داده‌بنیاد، پس از طی مراحل سه‌گانه کدگذاری باز، محوری و انتخابی به استخراج نمودار بصری «الف» در قالب ساختاری روش داده‌بنیاد می‌انجامد که در ادامه به توضیح اجزای ساختار مذکور خواهیم پرداخت؛

شرایط علی: مقوله‌هایی هستند که مقوله اصلی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهند و عامل پیدایش یا گسترش آن می‌شوند؛ برای مثال فعالیت‌های خیرخواهانه و انفاق مقوله‌ای علی برای گسترش پدیده مورد بحث به‌شمار می‌رود. شرایط مداخله‌گر: شرایطی ساختاری هستند که به‌نوعی در کنش‌ها و واکنش‌ها اثرگذارند و پدیده اصلی را به نحوی توسعه و یا تقیید می‌کنند. برای تقریب به ذهن می‌توان از اثر توسعه‌ای نیت الهی به‌عنوان شرطی مداخله‌گر بر کسب و کار به‌عنوان مقوله‌ای علی اشاره کرد.



نمودار الف: ساختار بصری نظریه داده‌بنیاد در بررسی ایجابی پدیده اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی

سبحان است. انسان و سایر عوامل مؤثر، ممکن است تنها امکان فراهم کردن مقدمات را داشته باشند. روش داده‌بنیاد موارد زیر را به‌عنوان مهم‌ترین شرایط زمینه‌ای معنوی برمی‌شمارد:

۵-۱. شرایط زمینه‌ای

ناگزیر بخش مهم و بزرگی از این شرایط زمینه‌ای، ماهیت معنوی و غیرمادی دارند. در نگرش توحیدی به پیشرفت اقتصادی مهم‌ترین مشخصه آن است که بدانیم موجد اصلی پیشرفت، ذات خدای

۵-۱-۱. تقدیر و مشیت الهی

قرآن کریم از یک سو بهره‌مندی از رزق و نعمت‌های الهی را به مشیت و تقدیر الهی مستند می‌کند (ذاریات، ۵۸) و از سوی دیگر، به‌صراحت دخالت انسان را در این امر مورد تأیید قرار می‌دهد (عنکبوت، ۱۷؛ انفال، ۵۳)؛ از این رو مهم است که انسان جایگاه و میزان تلاش خود را در کیفیت دستیابی به امکانات مادی و اقتصادی بشناسد. خدای متعال به‌عنوان خالق هستی، اسباب و علل فراوانی را برای کسب روزی قرار داده است، اما هیچ‌یک از این موارد را نمی‌توان در عرض اراده، خواست، تقدیر و مشیت الهی قرار داد. درک نادرست و یا توجه نکردن به حقیقت این امر موجب شده است تا از یک سو برخی خود را همه‌کاره بدانند و کمیت و کیفیت امکانات مادی را ملک مایملک خود برداشت کنند^۱ و از سوی دیگر برخی نقش خود را در اکتساب آنها نفی کنند و عالم هستی را جبری بدانند.

قرآن و روایات یک پیام روشن را به ما در زمینه رزق ابلاغ می‌کند: رزق مادی باشد و یا معنوی، از مالکیت الهی اعطا می‌شود و بدون اذن حضرت حق تغییر آن امکان نخواهد داشت؛ البته این امر سازوکار خاص خود را دارد، ولی این نکته نشان می‌دهد که رسیدن به دارایی‌ها و منابع مادی باید از مسیری معنوی عبور کند و بدون اذن الهی ذره‌ای در هستی جابه‌جا نمی‌شود. قرآن کریم در آیه ۵۹ سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»؛ نظام هستی تنها آن چیزی نیست که انسان‌ها می‌بینند و در مورد روابط آن اندیشه و مطابق با اندیشه‌های خود تدبیر می‌کنند. در پس هر اعطا و محرومیتی رازها نهفته است که علم آن تنها در نزد خدای سبحان است. آیه ۲۱ سوره مبارکه حجر نیز به این معنا صراحت دارد: «وَإِنْ مِّنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدْرِ مَعْلُومٍ»؛ علامه طباطبایی^۲ در توضیح این آیات می‌فرماید: «خدای تعالی آن مفاتح و خزینه‌ها را این‌طور وصف فرموده که دارای اندازه و قابل تحدید نیست، وقتی محدود می‌شود که از آن خزینه‌ها بیرون شده و به این عالم که عالم شهود است، نازل

۱. (قارون) گفت: جز این نیست که این [ثروت و مال انبوه] بر پایه دانشی که نزد من است، برایم فراهم شده [نه از سوی خداوند!]: آیا نمی‌دانست که خداوند پیش از او اقوامی را نابود کرده است که از او نیرومندتر و ثروت‌اندوزتر بودند؟ و [هنگام آمدن عذاب] گنه‌پیشگان از گناهانشان [که برای خداوند معلوم و مشهود است] بازپرسی نمی‌شود (قصص، ۷۸).

شود» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۸۱). به هر سو تمامی شرایط علی و مداخله‌گر تا حدی در اختیار انسان نهاده شده و انسان در حیطه اختیارات خود می‌تواند نسبت به بهبود اوضاع اقتصادی به فعالیت پردازد، اما همواره باید به این واقعیت مهم توجه داشته باشد که اختیاراتی که از جانب خدای متعال به وی اعطا شده در طول مشیت و تقدیر الهی است. همه تلاش‌های بشری در بستر خواست و اراده الهی قابل تحقق و شکل‌گیری است و بی‌توجهی به این مهم تغییری در افزایش حوزه اختیارات و توانایی بشر در تسخیر امور مادی ایجاد نمی‌کند.

۵-۱-۲. سنن الهی

خدای متعال در ساختار خلقت، سنن و قوانینی را وضع فرموده است که اداره همه امور عالم براساس این سنن صورت می‌پذیرد؛ این سنن در منابع اسلامی، به‌ویژه در قرآن کریم به‌خوبی بیان شده و شناخت و توجه به آنها برای انتخاب بهینه مسیر پیشرفت مادی و معنوی ضروری است. به تعبیر شهید صدر^۳: «قرآن به‌عنوان نخستین کتابی است که به این قوانین و سنت‌های الهی اشاره فرموده است و بر وجود این سنت‌ها و جاری بودن آنها اصرار می‌ورزد و با این نوع تفکر که حوادث عالم خودبه‌خود و از روی اتفاق صورت می‌گیرد، به‌شدت مقابله می‌کند. همچنین قرآن با این نظر که حوادث در دست تقدیرات غیبی است و ما را در برابر آن جز تسلیم و رضا چاره‌ای نیست، به مخالفت صریح برمی‌خیزد و عقل بشر را هشدار می‌دهد که در این عالم خلقت، سنن و قوانینی حاکم است و برای اینکه انسان بتواند بر سرنوشت خود حاکم شود و بتواند در این قوانین نفوذ کند، باید شناختی نسبت به این سنت‌ها و قوانین داشته باشد. در غیر این صورت، هر چند شما چشم‌بسته باشید، اما آن قوانین بر شما حکومت خواهد کرد. شما چشمانتان را باز کنید و این سنت‌ها و قوانین را ببینید تا شما بر آنها حاکم گردید، نه اینکه آنها بر شما تأثیر بگذارند» (صدر، ۱۳۹۳، ص ۱۵). سنت‌های الهی فراوانی به‌عنوان شرایط زمینه‌ای در پژوهش حاضر مورد شناسایی قرار گرفته است؛ «دخالت اراده انسان در تعیین سرنوشت» (سنت تغییر)،^۴ «سنت رزاقیت»، «سنت ابتلاء» و «سنت استدراج» از آن جمله‌اند که به جهت اختصار به‌صورت گذرا به بیان سنت املاء و استدراج می‌پردازیم.

۲. برای مطالعه بیشتر ر.ک: محمدباقر صدر: «سنت‌های تاریخی در قرآن کریم».

تلخ‌تر و کشنده‌تر از هر عذاب است، ملحق گشتند و این همان استدراج در عذاب است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۴۵۳)؛ عملکرد ایجابی انسان نسبت به هر یک از امور معنوی و یا مادی می‌تواند زمینه‌ساز مثبتی برای علل و شرایط زمینه‌ای ایجابی باشد ضمن آنکه عکس این مسئله نیز کاملاً برقرار است.

۵-۱-۳. حاکمیت صالح

مطابق با آموزه‌های اسلامی حاکمیت صالح بستری معنوی و مؤثر در بهبود شرایط مادی و اقتصادی است. جایگاه و نقش دولت در مدیریت راهبردی و کلان اقتصادی امری نیست که بر کسی پوشیده باشد. سیاست‌های کلی و خط‌مشی‌های کلان همواره از سوی حاکمیت مورد ریل‌گذاری قرار می‌گیرد. دولت‌ها با ابزارهای حاکمیتی به ترغیب و یا تحذیر فعالان و کنشگران اقدام و از این راه پیام‌های مثبت و یا منفی را به بازارها ارسال می‌کنند.

بدیهی است سیاست‌های عدالت‌محور، معنویت‌بنیان و خیرخواهانه محصول بدنه حاکمیتی صالح و شایسته و برخاسته از آموزه‌های توحیدی است. انتظار برخورداری از سیاست‌های عام‌المنفعه و فراگیر که جامع اهداف اقتصادی و معنوی برای سعادت همه‌جانبه در دنیا و آخرت فرد فرد جامعه را تضمین کند، از حاکمیتی که مشخصه‌های حکومت اسلامی را ندارد، انتظاری نابجاست؛ رخداد بسیاری از آثار و پیامدهای مثبت معنوی و مادی مستلزم برپایی حکومتی صالح و فراگیر و نفوذ بالای قوانین الهی از سوی حاکمیت اسلامی به‌عنوان بسترهای لازم در مسیر پیشرفت است.

۵-۱-۴. ایمان و تقوی

جهت‌دهی به تمایلات و تقویت انگیزش ارزشی از آثار جدی شرایط مداخله‌ای معنویت اسلامی است. نظام انگیزشی برخاسته از توصیه‌ها، تشویق‌ها و دستورهای اسلامی، انسان را به انجام اوامر الهی فرامی‌خواند تا از ثواب و اجر معنوی آنها بهره‌مند شود؛ نیروی انگیزشی قدرتمندی که نیروی درونی لازم برای فعالیت‌های مطلوب شریعت الهی تأمین می‌کند؛ همچنین عامل مداخله‌گر و بسیار کلیدی تقوی بر اجتناب و حفاظت از تمایلات، خواست‌ها و انتظارات نامناسب تکیه می‌کند. واقعیت این است که انسان در مسیر رشد مادی و یا معنوی خود، با موانع فراوانی روبه‌رو می‌شود و از قضا بسیاری از این موانع خودساخته و ناشی از اقدام به برخی از

از نظر قرآن کریم صرف مثبت بودن شاخص‌های مادی، نشان‌دهنده بستری ایجابی برای رشد حقیقی جامعه نیست؛ بلکه به‌عکس، می‌تواند زمینه‌ای سلبی و علامت تباهی اجتماعی باشد. قرآن کریم این چنین اجتماعی در محاق دو سنت استدراج می‌داند که دیربازود فرجام ناخوشایندی را تجربه خواهد کرد. هر چند آمارها خبر از رونق اقتصادی و به سامان بودن بستر توسعه اقتصادی بدهند، اما این برخورداری از نعمت‌های گسترده الهی نوعی عقوبت و مجازات پنهان الهی است در حالی که جوامع از عقوبت بودن آن غافلند. لفظ «استدراج» از باطن این سنت حکایت می‌کند که مبتلایان به این سنت براساس آن اندک‌اندک به شقاوت معنوی خود افزوده و به نابودی خود نیز نزدیک می‌شوند؛ به‌گونه‌ای که ناگهان ظهور خواهد یافت. بر همین اساس از هر دو واژه «املاء» و «استدراج» در بعضی از آیات یکجا سخن به میان آمده است (زنجیری، ۱۳۸۴). خدای متعال می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ * وَأُمَلِي لَهُمْ إِن كِيدِي مَبِينٌ» (اعراف، ۱۸۲-۱۸۳)؛ علامه طباطبایی در توضیح معنای استدراج بیان می‌کند: «استدراج در لغت به این معناست که کسی درصدد برآید پله‌پله و به تدریج از مکانی یا امری بالا رود و یا پایین آید یا نسبت به آن نزدیک شود، ولی در آیه قرینه مقام دلالت دارد بر اینکه مراد، نزدیک شدن به هلاکت در دنیا یا در آخرت است و اینکه مقید شده به راهی که خود آنها نمی‌فهمند، برای این است که بفهماند این نزدیک شدن آنها به هلاکت آشکارا نیست، بلکه در همان سرگرمی به بهره‌مندی از مظاهر زندگی مادی مخفی است. در نتیجه ایشان با زیاده‌روی در معصیت پیوسته به سوی هلاکت نزدیک می‌شوند. پس می‌توان گفت استدراج، تجدید نعمتی بعد از نعمت دیگر است تا بدین‌وسیله، التذاذ به آن نعمت‌ها، ایشان را از توجه به وبال کارهایشان غافل سازد. ... وقتی که از ذکر پروردگارش غافل شده و آیات او را تکذیب کردند، اطمینان و آرامش دل‌هایشان را از دست دادند و ناگزیر شدند با توسل به اسباب دیگری غیر از خدا دل خود را آرامش دهند و چون غیر از خدا چیزی نمی‌تواند دل‌ها را آرامش دهد، پس بیش‌ازپیش به قلق و اضطراب درونی دچار شدند و دیگر از حقیقت سعادت زندگی بی‌خبر ماندند، خیال کردند معنای زندگی همین است که ایشان در آنند، ناگزیر این سرگرمی به زخارف دنیا و مهلکات را روزبه‌روز زیاده‌تر کرده و در واقع کم‌کم عذاب خود را بیشتر کردند تا سرانجام به عذاب آخرت که

خدای متعال در قرآن کریم در آیه شریفه ۹۶ از سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»؛ در آیه شریفه ایمان و تقوی، شرط برای باز شدن برکات آسمانی و زمینی بر مردم ذکر شده است و این مطلب اوج اهمیت و البته اثرگذاری ارتقای معنویت در جامعه را گوشزد می‌کند. در آیه شریفه کلمه «برکات» بیانگر ثبات و استقرار نعمات الهی است و پایداری در رشد و پیشرفت حاصل از ایمان و تقوی را گوشزد می‌کند. ایمان و تقوا نه تنها موجب نزول برکات الهی می‌شود، بلکه موجب می‌گردد آنچه در اختیار انسان قرار گرفته، در مصارف موردنیاز به‌کار رود (مکارم، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۲۶۶). شواهد فراوانی نشان می‌دهد حتی در حوزه اقتصادی برای بهبود شرایط مادی و مالی، همه واقعیت آن‌گونه نیست که ما می‌پنداریم و درک می‌کنیم.

برای مثال خدای سبحان در قرآن کریم، رباخواری را در حکم جنگ با خدا و اساساً مال ربوی را محکوم به امحاق بیان و رباخوار را فردی بسیار کفران‌کننده بیان می‌کند: «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ» (بقره، ۲۷۶)؛ در مقابل خدای متعال از دادن صدقه به گونه‌ای یاد می‌کند که نه تنها مانند مال ربوی محکوم به امحاق و کاهش نیست، بلکه رشد و نمو آن را رهنمون می‌سازد؛ درحالی‌که بشر با عقل مادی خود می‌پندارد که آنچه از دارایی خود به‌عنوان صدقات می‌بخشد، از کف او رفته و دچار خسران شده است.

۵-۱-۵. هم‌افزایی اجتماعی

اجتماعی بودن دین مبین اسلام و ابعاد همگانی تعالیم آن انکارناپذیر است؛ مناسک شرعی و آداب اخلاقی فراوانی وجود دارد که ضمن ایجاد هم‌افزایی اجتماعی، آثار و برکات فراوانی در بهبود شرایط اقتصادی به دنبال دارد. خدای متعال به‌عنوان یگانه مالک و رزاق هستی، عنایت ویژه‌ای به کنش‌های جمعی یکپارچه دارد.^۱ در آیه ۹۶ شریفه سوره اعراف نیز که در عنوان پیش بیان شد، خدای متعال به‌صراحت اثر ایمان و تقوای جمعی بر بهبود شرایط اقتصادی را مورد اشاره قرار داده است. به بیان علامه طباطبایی رحمته‌الله؛ افتتاح ابواب برکت‌ها ناشی از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است، نه ایمان یک نفر و

فعالیت‌های زیان‌آور است. اموری که سلامت مادی و معنوی وی را در هر دو بعد فردی و اجتماعی تحت‌تأثیر جدی قرار داده، هزینه‌های بسیاری برای جبران و خلاصی از آثار سوء آنها صرف می‌شود. ایمان و ملکه فاضله تقوا بدون جانشین معنوی هستند که بستر بسیار مهمی برای گسترش اثربخشی عناصر علی معنوی سازنده پیشرفت اقتصادی به شمار می‌رود.

لزوم برخورداری از قصد قربت در ادای حقوق مالی واجب، ممنوعیت تصرف در مال غیر، نظام ثواب و عقاب در فعالیت‌های اقتصادی و خیریه مندوب، لزوم پایبندی به اصول معاملات برای صحت آنها، لزوم اجتناب از حرمت‌ها در روابط اقتصادی و سفارش به پایبندی به آداب و مستحبات در روابط معاملی (شامل ادعیه، زمان مبادله، خیرخواهی در مبادلات و...) از مواردی هستند که پس از ایجاد و تقویت معنویت اسلامی در جامعه، قدرتمندترین ضمانت اجرایی را به ارمغان می‌آورند؛ افراد با توجه به معنا و مفهوم کنش‌ها و افعال موجود در روابط اقتصادی به این حقیقت رهنمون می‌شوند که ماهیت فعالیت‌ها را دریابند و بدانند که آیا هر یک از فعالیت‌ها، انسان را به کمال معنوی و رشد حقیقی نزدیک خواهد کرد یا خیر.

علامه طباطبایی رحمته‌الله در ذیل آیه ۶۵ سوره مبارکه انفال، اشاره لطیفی به اهمیت ایمان الهی و کارکرد آن در تقویت نفس مؤمنین دارد. ایشان درک عمیق مفاهیم و معانی را از ویژگی‌های مؤمنان یاد و بیان می‌کند همین مشخصه موجب می‌شود تا فرد مؤمن تا پای جان در مسیر درک و فهم خود قدم بردارد؛ «مؤمنان در هر اقدامی که می‌کنند، اقدامشان ناشی از ایمان به خداست و ایمان به خدا نیروی است که هیچ نیروی دیگری معادل آن نیست و در برابر آن تاب مقاومت نمی‌آورد، چون به‌دست آوردن نیروی ایمان مبنی بر فهم صحیح است و همین فهم درست صاحبش را به هر خلق و خوی پسندیده‌ای متصف می‌سازد و او را شجاع و باشهامت و پرجرئت و دارای استقامت و وقار و آرامش قلب و وثوق به خدا بار می‌آورد، چنین کسی اطمینان و یقین دارد به اینکه به هر تقدیر چه کشته شود و چه بکشد، برد با اوست؛ زیرا در هر دو تقدیر پاداش وی بهشت است و او در خود مصداقی برای مرگ به آن معنایی نمی‌بیند که کفار معتقدند و آن را نابودی می‌پندارند؛ ... و این نیست مگر به‌خاطر فقه مؤمنان که خود علم و ایمان را دربردارد و به‌دلیل جهل کفار که خود ملازم با کفر و هواپرستی است» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۹، ص ۱۶۲).

۱. يُدَّالِلُهُ مَعَ الْجَمَاعَةِ (نهج البلاغه، خ ۱۲۷).

خواهد داشت.^۲ شرایط علی کدگذاری شده را می‌توان در ذیل مقولات زیر جای داد:

۵-۲-۱. کسب‌وکار

کار در اسلام به‌عنوان یک ارزش در سایه نیازهای بشر و لزوم ایجاد تعادل در زندگی فردی و اجتماعی است و از این مسیر موجب رشد روحانی و معنوی انسان می‌شود. در اسلام کارهای اخلاقی در ذهن و وجدان بشر دارای ارزش و گران‌بهاست، در مقابل بیکاری و سستی مردود و مطرود شناخته می‌شود (مطهری، بی‌تا، ج ۲۲، ص ۹۵۰)؛ در واقع معنویت اسلامی مانند معنویت رهبانی نیست که همراه با دنیاگریزی باشد، بلکه معنویتی است که از مسیر همین دنیا می‌گذارد و با معنابخشی به امور مادی آنها را دارای صبغه معنوی می‌کند.

ایجاد انگیزه و هدایت نیروی درونی انسان‌ها، دو عنصری هستند که در بستر اقتصاد معنوی اثرگذار خواهند بود. شاید در هیچ مکتبی همانند اسلام نتوان ارزش‌مداری کار و تلاش برای کسب روزی حلال را مشاهده کرد. در اخلاق اسلامی، کار از برترین عبادت‌ها شمرده شده و به‌عنوان امری دارای فضیلت و شرافت نگاه می‌شود. پیامبر خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «عبادت هفتاد جزء دارد و برترین آن کسب حلال است» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۹، ۵۴۲)؛ در نظام انگیزشی حاصل از آموزه‌های اسلامی، افزون بر توجه انسان‌ها به کنش‌های ارزشمند و اطمینان‌دهی به آنها نسبت به برخورداری از ثواب و پاداش الهی، به این مهم دلالت می‌شود که هرآنچه در معنویت اسلامی مورد امر و یا نهی قرار گرفته است، در جهت عظمت، توسعه و ارتقای روحانی و نفسانی انسان‌هاست. در بینش اسلامی کار ابزاری برای ثروت‌اندوزی و لذت‌جویی حاصل از مال‌اندوزی نیست، بلکه ترغیب به کار، نوعی برانگیختن انگیزه‌هاست که افزون بر تأمین نیازهای معیشتی خود و دیگران ارتقای روحی و معنوی را نیز به دنبال دارد.^۳

۲. شرایط علی دارای دوجنبه ایجابی و سلبی است. در این مقاله بیشتر جنبه‌های ایجابی محور مباحث قرار گرفته، و شرایط سلبی را به‌طور ضمنی مطرح خواهد شد؛ برای نمونه کسب‌وکار یک عامل ایجابی برای معنویت و در کنار آن، تبلی و بطالت یک عامل سلبی به‌شمار می‌رود که به‌طور ضمنی اشاره می‌شود.

۳. برای نمونه ر.ک: درودی، «فرهنگ کار از دیدگاه اسلام»، مجله کار و جامعه، ش ۶۳؛ شریفی، «کسب‌وکار از دیدگاه اسلام»، فرهنگ کوثر، ش ۷۳؛ کتاب التنمية الاقتصادية، سیره الانبياء والاوصياء في طلب الرزق.

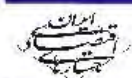
دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، باایمان و تقوای چند نفر، بازهم کار خود را می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ص ۲۵۴).

پس از فراهم شدن و تقویت نیروی درونی ایمان و اتصاف افعال افراد به تقوای الهی زمینه برای تشکیل جامعه ایمانی برخوردار از اخوت، وحدت و انسجام اجتماعی مهیا می‌شود. دقت در آموزه‌های اسلامی به‌خوبی جهت‌گیری آنها را برای بسترسازی لازم در برخورداری انسان‌ها از مواهب اجتماعی نشان می‌دهد. تلاش رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام در ایجاد اخوت و برادری بر محور ایمان، امری می‌باشد که بارها در سیره آنان مشهود بوده است.^۱ بی‌تردید تأکید قرآن کریم بر اخوت و برادری مؤمنین (حجرات، ۱۰)، آثار فراوانی از جمله همگرایی اجتماعی را به دنبال دارد که ثمره‌های آن برای همه آحاد جامعه نافع خواهد بود؛ همچنین شواهد دیگری مانند تأکید بر ارتزاق افراد جامعه از جانب یکدیگر (اعتماد به سازوکار بازار)، اثر صله ارحام بر افزایش رزق، تأکید بر احترام و خدمت به والدین برای جلب روزی، توصیه بر گره‌گشایی از مشکلات دیگران برای بهبود شرایط مادی فردی، توصیه بر مشارکت در بازار مسلمین را می‌توان مورد اشاره قرار داد.

۵-۲. شرایط علی

شرایط علی مقوله‌هایی معنوی و دارای آثار اقتصادی هستند که در منابع اسلامی در جایگاه سبب برای پدیده حاضر قرار می‌گیرند. این مقوله‌ها معنویت‌افزا و دارای پیامد اقتصادی هستند. هیچ‌یک از عناصر علی معنوی در مسیر پیشرفت اقتصادی، قابلیت جایگزینی ندارند و عقب‌ماندگی در دستیابی و تحقق هر یک از علل معنوی به ایجاد خسارت و خلل در مسیر پیشرفت اقتصادی می‌انجامد. هرچند ممکن است در نظر اول برخی از این عوامل مادی به نظر برسند، اما تمام موارد احصاء شده به‌عنوان امری معنوی و البته مؤثر بر بهبود اوضاع اقتصادی یاد شده‌اند. فقدان شرایط ایجابی، ضعف یا عملکرد منفی، پیامدهای سلبی را به دنبال دارد و اثر مستقیم منفی را به دنبال

۱. برای مثال رسول خدا ﷺ پس از پایان ساخت مسجد سیصد نفر از مهاجر و انصار را برادر هم قرار داد و خطاب به آنان فرمود: «تأخوا فی الله اخوین اخوین» (سیره ابن‌هشام، ج ۱، ص ۵۰۴-۵۰۵)؛ از امام صادق (علیه‌السلام) نقل است که فرمود: «اکثروا من الاصدقاء فی الدنيا فانهم ینفعون فی الدنيا و الآخرة اما فی الدنيا فحوائج یقومون بها و اما فی الآخرة فان اهل جهنم قالوا مالنا من شافعین ولا صدیق حمیم» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۴۰۷).



۵-۲-۲. انفاق و فعالیت‌های خیرخواهانه

هرچند در نظر نخست فعالیت‌های خیرخواهانه مادی و غیرمادی اموری دینی، شرعی و اخلاقی شمرده می‌شوند، اما بررسی شواهد کدگذاری شده نشان می‌دهد که براساس منابع اسلامی یکی از علل مهم بهبود شرایط اقتصادی است؛ در واقع اسلام با دعوت به انفاق، به‌طور غیرمستقیم انسان را به کار و کوشش فرامی‌خواند، زیرا انفاق مادی مستلزم تمکن مالی است و تلاش برای فراهم کردن تمکن مالی، افزون بر اینکه خودش به‌طور مستقیم تولید جامعه را تقویت می‌کند، انتقال بخشی از مازاد درآمد به نیازمندان موجب تقویت بنیه اقتصادی آنها و تقویت سرمایه انسانی موردنیاز برای رشد اقتصادی می‌شود؛ از این رو می‌توان گفت انفاق عاملی است که رخداد توأمان پرورش بعد روحانی انسان و پیشرفت اقتصادی جامعه را در پی دارد. خدای متعال می‌فرماید: «إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ» (حدید، ۱۸) و یا می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِثَّةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» (بقره، ۲۶۱). ممکن است اقتصاددانان متعارف از آثار توزیعی انفاق تمجید و آن را موجب بهبود توزیع درآمد و وضعیت عدالت در جامعه بدانند، اما هیچ‌یک از آنها از انفاق به‌عنوان عاملی برای وسعت و فزونی در رزق و روزی یاد نمی‌کنند. عمل انسان به شرط برخورداری از شرایط معنوی می‌تواند هفتصد برابر رشد کند. این عدم تناسب آورده و محصول در اقتصاد متعارف قابل درک نیست. مؤیدات این امر در منابع اسلامی بسیار است؛ از جمله امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ -عَزَّوَجَلَّ- وَضَعَ الرِّكَازَةَ قُوْتًا لِلْفُقَرَاءِ، وَتَوْفِيرًا لِّلْأَمْوَالِكُمْ» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۷، ص ۱۱). «إِسْتَنْزِلُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ»؛ (همان، ج ۴، ص ۳). از امام رضا علیه السلام نقل است که درباره خمس فرمود: «... فَإِنَّ إِخْرَاجَهُ مُفْتَاخُ رِزْقِكُمْ...» (همان، ج ۱، ص ۵۴۷، ح ۲۵).

آثار مفید و غیرقابل جایگزین انفاقات و فعالیت‌های خیرخواهانه (اعم از مالی و غیرمالی) به اندازه‌ای است که در دین مبین اسلام، بارها از ابزارها و مشوق‌های معنوی برای تحریک انسان به آن استفاده می‌شود. روایات فراوانی در مورد ثواب و اجر قرض دادن و یا مهلت دادن به بدهکار و محتاج در دسترس است؛ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سرزمین قیامت سراسر آتش است، مگر سایه مؤمن؛ زیرا

که صدقه‌اش بر او سایه می‌افکند»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۳)؛ همچنین در روایت دیگری فرمود: «در شبی که مرا به معراج بردند، بر در بهشت دیدم که نوشته بود: صدقه دادن ده مثل آن چیز ثواب دارد و قرض دادن هجده مثل آن» (عاملی و ساوجی، ۱۴۲۹، ص ۳۷۱). البته اشاره به این نکته مفید است که نظام انگیزشی ثواب، محدود به تعاملات دنیوی و محاسبات مالی و نیز در زمان و مکان محدودی نیست.

۵-۲-۳. علم و دانش

بی‌گمان اتصاف انسان به علم و دانش به‌عنوان یکی از عوامل رشد و تعالی معنوی قلمداد می‌شود؛ به بیان دیگر علم خود عنصری معنوی است که به ارتقای معنوی انسان کمک شایانی می‌کند. آیات شریفه‌ای مانند «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر، ۳۹) و یا «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ» (مجادله، ۱۱)، بر نقش علم‌آموزی در تعالی معنوی انسان دلالت دارد. توجه به ماهیت معنوی علم، کلیدی در درک جایگاه امور معنوی در مسیر پیشرفت اقتصادی است؛ بدون برخورداری از دانش کافی رفتار اقتصادی با منابع، رفتاری سفیهانه و غیرکارشناسی خواهد بود.^۲ امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبِقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَيَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ؛ فَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۲۵)؛ برخورداری از علم، اعم از شناخت قواعد کلی هستی و یا سازوکار حاکم بر کنش‌ها و واکنش‌های حاکم بر عناصر مادی و معنوی به نحوی امکان تسلط و بهره‌وری را ایجاد می‌کند که در منابع اسلامی از آن تعبیر به سلطان شده است.^۳

۵-۲-۴. عبادت (به معنای خاص)

در منابع اسلامی عناوین بسیاری در مقوله عبادت، به‌عنوان علت بهبود شرایط اقتصادی ذکر شده‌اند؛ اما لازم است به جهت

۱. «أَرْضُ الْقِيَامَةِ نَارٌ مَاحِلَا ظَلَّ الْمُؤْمِنُ؛ فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تُظِلُّهُ».
 ۲. قال النبي صلی الله علیه و آله: «من عمل على غير علم، كان ما يفسده أكثر مما يصلح» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۴).
 ۳. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل است که فرمود: «العلم سلطان من وجده صال به و من لم يجده صيل عليه» (ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص ۳۱۹).

علی (علیه السلام) فرمود: «أَطْلُبُوا الرِّزْقَ فِيمَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَإِنَّهُ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ عَنِ الصَّرْبِ فِي الْأَرْضِ وَهِيَ أَسَاعَةُ الَّتِي تَقْسِمُ اللَّهُ فِيهَا الرِّزْقَ بَيْنَ عِبَادِهِ»^۱ (حویزی، ۱۴۱۵، ج ۵، ص ۱۱۸)؛ امام باقر (علیه السلام) در یکی از سخنان نورانی خود یکی از اسباب فزونی رزق و روزی را دعا معرفی می‌کند: «عَلَيْكَ بِالدُّعَاءِ لِإِخْوَانِكَ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فَإِنَّهُ يَهِيلُ الرِّزْقَ» و حضرت این فرمایش را سه بار تکرار کردند (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۷، ص ۱۰۸).

دعا برای عفو خطاها^۲ و گناهان، تسبیح خدای متعال،^۳ دعای در حق دیگران،^۴ تلاوت برخی سوره قرآن کریم و خواندن ادعیه بسیاری که در کتب معتبر وارد شده، دال بر اثر مثبت این عنصر معنوی در بهبود شرایط مادی فردی و اجتماعی است.

با وجود اینکه نماز به نوعی دعا و تشکر از خدای متعال قلمداد می‌شود، اما به نحو مجزا در این زمینه سفارش شده است؛ برای نمونه درباره نماز شب اشارات مستقیمی در روایات وجود دارد؛ از امام صادق (علیه السلام) نقل است که فرمود: «صَلَاةُ اللَّيْلِ تَجْلِبُ الرِّزْقَ» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۸۴، ص ۱۵۰)؛ «تُدِرُّ الرِّزْقَ وَ تَقْضِي الدَّيْنَ» (همان، ۱۵۳)؛ همچنین نماز به خودی خود یک نظام اجتماعی قدرتمندی را ایجاد می‌کند که پیامدهای اقتصادی فراوانی را به دنبال دارد؛ ایجاد روابط مستحکم اجتماعی ذیل روابط موجود مساجد و نمازهای جماعت، امری است که از نظر اقتصادی کمتر مورد مطالعه قرار گرفته و هنوز مشخص نیست به طور دقیق مساجد و به طور کلی اجتماعات شکل گرفته پیرامون محور نمازهای جماعت، چه حجم از گردش مالی برخوردار است و چگونه می‌توان از این شبکه به نحو احسن

اقدام زدایی بیان کرد که هر چند در قاموس ادبیات اسلامی هرگونه کار و تلاش با تیت الهی و در مسیر شریعت اسلامی، عبادت به شمار می‌رود، اما در اینجا برای طبقه بندی بهتر مباحث، لفظ عبادت برای مناسکی چون شکرگزاری، دعا، نماز، حج و زیارت و امر به معروف و نهی از منکر به کار رفته است که در روش داده بنیاد به طور صریح به عنوان شرایط علی مطرح شده‌اند.

برای نمونه مقوله شکرگزاری سببی است که به صریح ترین وجه در قرآن کریم از سوی خدای متعال به عنوان مالک حقیقی مُلک و ملکوت برای بهبود شرایط مادی مشاهده می‌شود. خدای متعال می‌فرماید: «وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» (ابراهیم، ۷).

علامه طباطبایی (رحمته الله علیه) در توضیح کلمه «شکر» می‌فرماید: «حقیقت شکر، اظهار نعمت است؛ همچنان که کفر مقابل آن است، یعنی پنهان کردن نعمت و سرپوش روی آن نهادن می‌باشد و اظهار نعمت به این معناست که آن را در جای خود استعمال کنی، آن جایی که دهنده نعمت در نظر داشته، همچنین اظهار نعمت به این است که آن را به زبان بیآوری و منعم را در برابر دادن این نعمت، ثنا بگویی و مرحله دیگر اظهار نعمت این است که در قلب هم به یاد آن و به یاد منعمش باشی و از یادش نببری. پس شکر خدای تعالی در برابر نعمتی از نعمت‌های او آن است که در هنگام استعمال و به کار بردنش به یاد او باشد و وقتی به یاد او بود، به یاد این مطلب هم می‌افتد که نعمت او را در جایی که خود او خواسته استعمال کند، نه در جای دیگر» (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۵۷-۵۸)؛ بنابراین شکر تنها در امر لسانی خلاصه نمی‌شود و به طور جد ظهور و بروز عملی خواهد داشت.

نمونه دیگر از شرایط علی، دعا است که در روایات از آن تعبیر به «مخ العباد» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۹۳، ص ۳۰۰) شده است. دعا در درگاه الهی و درخواست از او یکی از راه‌های اصلی برای دریافت نعمات و برکات هستی از خزائن باری تعالی است. سازوکار تأثیرگذاری امور معنوی بر مادیات آن چنان از ظرافت و لطافت خاصی برخوردار است که حتی سفارش ویژه‌ای برای زمان درخواست از خدای متعال با هدف افزایش بیشتر در رزق شده است. برای نمونه می‌توان به سفارش در درخواست از خدای سبحان در بین الطلوعین به عنوان زمان تقسیم ارزاق اشاره کرد. امیرالمؤمنین

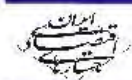
۱. در هنگام بین طلوع فجر تا طلوع خورشید طلب روزی کنید چرا که این طلب کردن از تلاش در زمین برای کسب روزی سریع تر حاصل می‌شود؛ این ساعت

زمانی است که خدای متعال روزی را بین بندگان تقسیم می‌کند.

۲. «قُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْسِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح، ۱۰-۱۲).

۳. قَالَ اميرالمؤمنين: الْجَمْعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ التَّعْقِيبُ بَعْدَ الْعَدَاةِ وَ بَعْدَ الْعَصْرِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ صَلَاةُ الرَّجْمِ تَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ كَسْحُ الْفَنَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ مُوَاَسَاةُ الْأَخِ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْبُكُورُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْإِسْتِعْفَاءُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ اسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ قَوْلُ الْحَقِّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ إِجَابَةُ الْمُؤَدَّنِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تَرَكَ الْكَلَامَ فِي الْخَلَاءِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ تَرَكَ الْحِرْصَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ شُكْرُ الْمُتَمَعِّمِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ اجْتِنَابُ الْبَيْمَنِ الْكَاذِبَةِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ الْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعَامِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ أَكْلُ مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخَوَانِ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَ مَنْ سَبَّحَ اللَّهَ كُلَّ يَوْمٍ ثَلَاثِينَ مَرَّةً دَفَعَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ الْبَلَاءِ أَيْسَرَهَا الْفَقْرُ (ابن بابويه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۰۵).

۴. «عن أبي عبد الله قال دعاء المرء لأخيه يظهر الغيب يدر الرزق و يدفع المكروه» (كليني، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۰۷).



بهره برد. امروزه پژوهش‌های فراوانی بیان‌کننده اثر مستقیم نماز بر کاهش جرائم متعدد اجتماعی و اقتصادی است (شیرافکن، ۱۳۹۷). حج و زیارت نمونه بارز دیگری است که آثار اقتصادی مشهود آنها را می‌توان در اجتماعات حاصل مشاهده کرد. خدای متعال می‌فرماید: «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ هُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِيعُوا أَمْرَ الْفَقِيرِ» (حج، ۲۸)؛ نقل است از امام صادق در مورد اخروی و یا دنیوی بودن منافع حج در آیه شریفه سؤال شد و حضرت فرمود: «همه» (کلینی، ۱۴۲۹، ج ۴، ص ۴۲۲). در مورد زیارت اعتاب مقدسه نیز روایات مشابهی در دسترس ماست، مثلاً درباره زیارت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام)، محمد بن مسلم از امام باقر (علیه السلام) نقل می‌کند که: «مُرُوا شَيْعَتَنَا بِزِيَارَةِ قَبْرِ الْحُسَيْنِ (علیه السلام) فَإِنَّ إِثْبَانَهُ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَيَمُدُّ فِي الْعُمُرِ وَيُدْفَعُ مَدَافِعَ السُّوءِ وَ إِثْبَانُهُ مُفْتَرَضٌ عَلَىٰ كُلِّ مُؤْمِنٍ يَقْرَأُ لَهُ بِالْإِمَامَةِ مِنَ اللَّهِ» (طوسی، ۱۳۶۴، ج ۶، ص ۴۲).

صرف نظر از عوامل معنوی گشایشگر در شرایط مادی که از جانب حج و زیارت رخ می‌دهد، کافی است به فعالیت‌های اقتصادی فراوانی توجه کنیم که در بخش‌های گوناگون برای تمهید حج و زیارت صورت می‌پذیرد. افزون بر بلاد میزبان، حتی در سرزمین‌های مبدأ نیز تحرکات و فعالیت‌های اقتصادی بسیاری پیرامون امر معنوی حج و زیارت شکل می‌گیرد. بخش‌های گوناگون اعم از حمل و نقل، نظام سلامت و سایر بازارهای متنوع خدماتی و کالایی در این امور مشارکت می‌کنند و هر یک ضمن ایجاد فرصت‌های شغلی حجم مالی بالایی را به خود اختصاص می‌دهند که با تعطیلی حج و زیارت همگی از پا خواهند افتاد.

امربه معروف و نهی از منکر نیز از مقولات علی مهم احصا شده در روش داده‌بنیاد است که تحقق آن به صورت یک عنصر ایجابی برکات معنوی فراوان و غفلت از آن سببی سلبی و موجب تباهی امور است. شواهد فراوانی در این زمینه ناظر به امر به معروف و نهی از منکر وجود دارد که به سبب ایجاز از ذکر آنها خودداری می‌شود.^۱

در توضیح چگونگی ارتباط عبادات با بهبود شرایط مادی به سه نکته مهم می‌توان اشاره کرد؛ نکته اول اینکه این ارتباط یکی از

مجاری امدادهای غیبی خداوند است که انسان با محاسبات محدود خود نمی‌تواند کنه آن را درک کند، ولی هر شخصی می‌تواند در زندگی خصوصی خود انواعی از این عنایات خاص خداوند را تجربه کند. تاریخ زندگانی افراد و ملت‌ها حوادث و پدیده‌های فراوانی را نشان می‌دهد که با اسباب و علل طبیعی نمی‌توان توجیهی برای آنها پیدا کرد. مطمئن‌ترین راه در تحلیل این‌گونه پدیده‌ها بررسی آنها در چارچوب اصول جهان‌بینی است. در جهان‌بینی اسلامی خداوند، افزون بر اینکه خالق و آفریدگار است، پروردگار عالم نیز هست. او در همه حالات ناظر بر کنش‌ها و واکنش‌های طبیعی عالم و اعمال انسان‌هاست و امر عالم را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند؛ «يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ» (سجده، ۵)، خدای سبحان به مقتضای صفت رحمانیت خود در تدبیر عالم مؤمن و کافر را در پاداش ظاهری اعمال برابر قرار داده، ولی به مقتضای صفت رحیمیت خود عنایت خاصه‌ای به بندگان مؤمن و نمازگزار و نیکوکار خود دارد که درک آن فراتر از ادراکات ظاهری بشر است. در دستگاه محاسبات الهی هیچ عمل ریز و درشتی از قلم نمی‌افتد و هر عمل خاصی که انسان برای رضای خدا انجام دهد. خداوند آن عمل را به ده یا هفتاد یا هفتصد و یا هزاران برابر، در دنیا و آخرت پاداش نیکو می‌دهد. یکی از این‌گونه پاداش‌ها، افزایش روزی و برکات خداوند در اثر اعمالی چون ذکر، دعا و نماز است. حفظ این اعتقاد و تقویت آن در ذهن و اندیشه انسان از دیدگاه اسلام اهمیت بسیار بالایی دارد و اگر به‌گونه‌ای درست و توأم با حفظ شرایط آن نهادینه شود، در حفظ تعادل فردی و اجتماعی انسان‌ها فوق‌العاده مؤثر است.

نکته دوم، تأثیر مستقیم عبادت بر تربیت معنوی انسان و ایجاد روحیه تلاش و مجاهدت، درستکاری، امانتداری، تعاون و همبستگی اجتماعی است. اگر عبادت درست معنا شود و افراد در عین بهره‌مندی از رابطه با خداوند به وظایف اجتماعی و اقتصادی خود نیز عمل کنند، به‌گونه‌ای که نه کار و تلاش اقتصادی آنها را از ذکر خدا بازدارد و نه افراط در عبادت‌های خاص سبب تعطیلی فعالیت‌های اقتصادی شود؛ امنیت، ثبات و عدالت که پیش شرط ضروری هرگونه رشد و توسعه اقتصادی است، فراهم خواهد شد. در مجموع می‌توان این‌گونه بیان داشت که شرایط علی با آثار مستقیم و غیرمستقیم خود در سه محور کاهش هزینه‌های مبادله، افزایش کارایی و افزایش سرمایه اجتماعی (از مسیر تقویت صداقت و

۱. برای نمونه از حضرت رسول ﷺ نقل است: «لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ تَزَعَّتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۶، ص ۱۲۳).

متعال، پیامدهای متفاوتی نسبت به محاسبات مادی و دنیوی دارد. از آنجاکه اخلاق اسلامی براساس ترکیه و تقویت بنیه معنوی و فضائل نفسانی و ارزش‌های والای انسانی نهاده شده است، در کلیه اعمال اعم از قلبی و بدنی - به‌ویژه عبادات - اصالت با تبت است. تبت تا آن درجه مؤثر است که چنانچه عملی غیرعبادی و مباح با صبغه الهی و قصد قربت انجام شود، عنوان عبادت به خود می‌گیرد و دارای اجر و ثواب می‌شود (مهردوی کنی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱). برخلاف چشم‌پاها، ظاهرین مادی انسان‌ها، ارزش اقتصادی، مالی و مادی اشیا و املاک به خودی خود اولویت و ارزش چندانی ندارد و شاید بتوان محکم‌تر گفت که فی‌نفسه بدون ارزش است. آنچه ارزشمند و ارزش‌آفرین است که به تقویت قوای روحانی و تعالی بینجامد.

مهم است که انسان‌ها فعالیت‌های اقتصادی خرد و کلان خود را با چه قصدی انجام می‌دهند. در نگرش معنوی به اقتصاد، فعالیت‌های اقتصادی افزون بر درآمدزایی فردی و پیشرفت‌زایی اجتماعی یک هدف بزرگ‌تری را دنبال می‌کند و آن عبارت از سازندگی روحانی و معنوی انسان‌هاست. این اهمیت در بعد قصدها و تبت‌ها گاه به اندازه‌ای می‌رسد که در شرع مقدس برای آن حکم واجب وضع شده است، مانند آنچه در وجوب قصد قربت در ادای خمس، زکات فطره و سایر واجبات مالی دیده می‌شود و بدون مقارنت با آن پرداخت و یا عدم پرداخت مالی - کم باشد یا زیاد - پذیرفته نیست.

این امر در نمونه‌های دیگری چون گسترش رفاه عائله،^۱ تقویت حکومت اسلامی (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۷۳۸)، هزینه برای اصلاح ذات‌بین،^۲ جهاد با اموال با انگیزه الهی^۳ و موارد دیگر نیز صادق است؛ این امر مبارک نظم‌ی هماهنگ با ساختار توحیدی عالم هستی و نظام احسن خلقت الهی ایجاد می‌کند که بی‌تردید پیشرفت معنادار در حوزه اقتصادی نیز یکی از همین نظام یکپارچه و هماهنگ است. با این برداشت همه فعالیت‌های اقتصادی که از پستوانه معناداری برخوردارند، فی‌نفسه امری معنوی به شمار می‌روند و تفکیکی میان امور مادی و معنوی معنادار نیست.

۱. عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «... وَإِنْ أَرْضَاكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشْبَغُكُمْ عَلَى عِيَالِهِ...» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۸، ص ۶۸).
 ۲. قَالَ صَادِقٌ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِذَا رَأَيْتَ بَيْنَ اثْنَيْنِ مِنْ شِيعَتِنَا مُنَارَةً فَأَقْتَدِهَا مِنْ مَالِي» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۲۰۹).
 ۳. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَأْتُواوَ وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات، ۱۵).

اعتماد) اثرهای بسیار سازنده‌ای بر پیشرفت اقتصادی خواهد داشت که تبیین هر یک نیازمند پژوهشی جداگانه است.

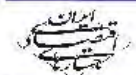
نکته سوم لزوم توجه به مباحثی از این دست است که آیا عبادات به‌عنوان علت تامه به شمار می‌روند یا خیر؟ آیا با صرف این پرداختن به عبادات روزی به انسان عطا می‌شود؟ باید توجه داشت که سوای اثر عبادات بر افزایش روزی (همان‌طور که در بند ۵-۲-۱ اشاره شد)، نفس کار و تلاش امری است که به طور مؤکد در آموزه‌های اسلامی بدان سفارش می‌شود و از این‌رو به هیچ‌وجه نمی‌توان گفت که این آموزه‌ها در تقابل با پیشرفت و مشوق ترک کار و فعالیت است. از سوی دیگر هر چند اظهارنظر صریح در این باره مشکل است، اما از برخی آموزه‌ها دریافت می‌شود که می‌توان اثر عبادات را به‌عنوان علل ناقصه در نظر گرفت؛ برای نمونه از امیرالمؤمنین علی (عَلَيْهِ السَّلَامُ) نقل است که فرمود: «الدَّاعِي بِلاَ عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلاَ وَتَرٍ؛ کسی که دعا می‌کند بدون عمل، مانند تیراندازی است که کمانش زه ندارد» (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۵، ص ۶۰)؛ دقت در ساختار به‌دست آمده در روش داده‌بنیاد نیز همین مسئله را تأیید می‌کند، زیرا مثلاً هرگاه از عناصر در ذیل عنوان شرایط زمینه‌ای و یا مداخله‌گر یاد می‌شود، بیان‌کننده این پیام است که عناصر مطرح شده در کنار سایر عوامل بیان شده کارکرد خود را خواهند داشت.

۵-۳. شرایط مداخله‌گر

همان‌طور که بیان شد، شرایط مداخله‌گر، شرایطی ساختاری هستند که با اثرگذاری خود پدیده اصلی را به سهم خود مورد تسهیل و یا تعقید قرار می‌دهند. شرایط مداخله‌گر ایجابی اثر مستقیمی بر شرایط علی دارند که برخورداری از آنها موجب بهبود پیامدهای حاصل از شرایط علی خواهد شد. این شرایط، قیودی سازنده هستند که اثرگذاری شرایط علی را تا حد بسیاری گسترش و تسهیل می‌کنند. به سبب ماهیت معنوی آنها، گاه حدو حصر آثار مداخلات با محاسبات بشری ممکن نیست. ضمن آنکه عکس این امر برای شرایط سلبی صادق است. مقولات زیر به‌عنوان شرایط مداخله‌گر احصا شده‌اند:

۵-۳-۱. تبت

تبت‌ها و مقاصد افراد از انجام فعالیت‌ها، تا آن اندازه مهم هستند که خود عاملی برای نزول برکات الهی خواهند بود و این مهم نزد خدای



خاص محدود نمی‌شود، بلکه به‌عنوان عنصری فراگیر بر ساختار کلی حیات انسان ساری و جاری است.

مطابق با روایات آداب اخلاقی بسیاری در بهبود شرایط مادی دخیل هستند؛ برای نمونه اهتمام به صلّه ارحام، نظافت آستانه منزل، طلب کردن روزی در صبح زود، تکرار جملات اذان پس از شنیدن از مؤذن، جمع میان دو نماز، اجتناب از تکلم در بیت الخلاء، حرص نورزیدن، خودداری از قسم دروغ خوردن، وضو گرفتن پیش از غذا خوردن، خوردن آنچه از سفره بیرون می‌افتد، خوش رفتاری با همسایگان،^۱ بسیار احسان کردن به والدین، پرهیز از گزافه‌گویی، روشن کردن چراغ پیش از غروب آفتاب^۲ و ازدواج^۳ تنها بخشی از عناوینی هستند که در منابع اسلامی با اینکه از جنبه معنوی برخوردارند، به نحو ایجابی موجب افزایش روزی می‌شوند.

البته این ارتباط میان عوامل معنوی و بهبود شرایط مادی، تنها از جنبه ایجابی نیست؛ در مقابل عوامل فراوانی نیز در منابع اسلامی اشاره شده‌اند که ارتکاب آنها کاهش رزق را رقم خواهد زد؛ برای نمونه برخی از امور مانند دروغ، زنا، اظهار کردن حرص و آز، خواب میان نماز مغرب و عشاء، خواب پیش از طلوع خورشید، گوش دادن زیاد به موسیقی، رد مرد گدا در شب، ترک صلّه ارحام، رها کردن تار عنکبوت در خانه، ادرار کردن در حمام، خوردن در حال جنابت، ایستاده شانه زدن، گذاشتن زباله در خانه، سوگند خوردن^۴ و... از جمله عوامل کاهش رزق و ایجاد فقر مادی بیان شده است.

در کنار آداب اخلاقی، اصول اخلاق اسلامی از راه‌های خاص خود بهبود شرایط اقتصادی را به همراه دارد. این اصول شامل امانت ورزی، حق‌گو بودن، صداقت، قناعت‌ورزی، توکل داشتن بر خدای

همین مناطق در مورد مکاسب محرّمه نیز می‌باشد که نظر اسلام نسبت به آنها کاملاً سلبی است. امروزه بسیاری از کشورها درآمدهای هنگفتی از محل تولید کالاها و خدماتی دارند که در شریعت اسلام ممنوع و حرام شمرده شده‌اند. مؤونه این‌گونه درآمدها گاه برای برخی کشورها تنها سکوت و چشم‌پوشی از برخی بزه‌ها و دریافت حق سکوت‌های کلان در قبال برخورد نکردن با آنهاست. درآمد سالانه ۶۵ میلیارد دلاری کشور افغانستان از مواد افیونی، سود اقتصادی سرشار حاصل از فروش بیش از ۵ میلیون تن مشروبات الکلی ایتالیا، و بیش از ۴/۵ میلیون تن در فرانسه، درآمد هنگفت حاصل ارتشاء در پرونده‌های بین‌المللی و... تنها بخش کوچکی از منابعی است که کشورهای دنیا امروزه بی‌مهابا برای آنها دست‌وپا می‌شکنند. اولویت اسلام همواره صیانت از معنویت و بعد معنوی انسان‌هاست و در این مسیر چشم‌پوشی از درآمد هنگفت مکاسب محرّمه در ستون ضرر و زیان درج نمی‌شود. البته این محدودیت‌ها راه را برای شکوفایی سلاقی گوناگون و استعدادها و توانایی‌های متفاوت مسدود نمی‌کند و حتی زمینه را برای هدایت آنها و پیشگیری از زیان‌های حتمی فراهم می‌سازد.

۵-۳-۱. مراعات فرامین اخلاقی

مراعات اصول اخلاقی و شرعی، عنوان جامعی است که طیف گسترده‌ای از شرایط معنوی مداخله‌گر را دربرمی‌گیرد. آموزه‌های فردی و اجتماعی بسیاری وجود دارند که دایره این اصول را تشکیل می‌دهند. نحوه مواجهه افراد و پیروان، خلق و خوی اجتماعی در قبال مسائل مادی و اقتصادی وابسته به نظام ارزشی و ماهیت ارزش شناختی آنهاست؛ پذیرش مبانی معنویت اسلامی موجب التزام به سلسله‌ای از منش‌ها و خلیقیات توصیه‌شده می‌گردد که پایبندی و یا ناپایبندی به آنها تفاوت‌های معناداری را در سیره عملی جامعه ایجاد می‌کند. هر یک از دستورهای اخلاقی به سهم خود از اثرگذاری خاصی برخوردار است و شاید درک کیفیت تمامی آنها برای ما ادراک‌ناپذیر باشد. فرامین اخلاق اسلامی را می‌توان در دو گروه اصول و آداب اخلاقی تفکیک کرد؛ آداب اخلاقی، آموزه‌هایی هستند که کیفیت عبادات، تعامل با دیگران، رفتارهای فردی و سایر موارد مشابه را جهت‌دهی و مشخص می‌کنند؛ اصول اخلاقی نیز شامل گزاره‌هایی می‌شوند که موضوع آنها به یک فعل یا صفت اختیاری

۱. عن أبي عبد الله عليه السلام قال حسن الجوار يزيد في الرزق (كليني، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۶۶).

۲. إسرائج السراج قيل أن تعيب الشمس ينفي الفقر (كليني، ۱۴۰۷، ج ۶، ص ۵۳۲).

۳. أن رجلاً أتى النبي ﷺ فشكا إليه الحاجة فأمره بالتزويج ففعل ثم أتاه فشكا إليه الحاجة فأمره بالتزويج حتى أمره ثلاث مرات فقال أبو عبد الله عليه السلام [نعَمْ] هو حق ثم قال الرزق مع النساء والعيال (كليني، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۳۳۰).

۴. سعيد بن علقمة قال سمعت أمير المؤمنين عليه السلام يقول تزك نسيح العنكبوت في البيت يورث الفقر والبول في الحمام يورث الفقر والأكل على الجنابة يورث الفقر والتخلل بالطرفاء يورث الفقر والتمسّط من قيام يورث الفقر وتزك القمامة في البيت يورث الفقر واليمين الفاجرة يورث الفقر والزنا يورث الفقر وإظهار الجزس يورث الفقر والنوم بين العشاءين يورث الفقر والنوم قبل طلوع الشمس يورث الفقر واعتقاد الكذب يورث الفقر وكثرة الاستماع إلى الغناء يورث الفقر وردد السائل الذكر باللئيل يورث الفقر وتزك التقدير في المعيشة يورث الفقر وقطيعة الرجم يورث الفقر... (مجلسی، ۱۴۱۰، ج ۷۳، ص ۳۱۵).

اجتماعی و فردی بر اساس «اصل معناداری» رفتارهای اقتصادی است. در این چارچوب رفتاری مقبول و مطلوب است که بتواند صلاحیت لازم برای ارتقای معنوی انسان را به دست آورد وگرنه هیچ ملاک و مناطقی نمی‌تواند توجیه‌گر رفتارهای انتظاری باشد.

در یک مطالعه تخمینی از هزینه‌های جهانی برای مبارزه با مسائل کیفی و جرائم اقتصادی و اجتماعی با استفاده از داده‌های ارائه شده توسط هفتاد کشور، آمارهای بسیار تکان‌دهنده‌ای به چشم می‌خورد. صرف نظر از نوع جرم صورت گرفته، هزینه‌هایی که در این کشورها برای اموری چون پلیس عمومی، دادگاه‌ها، زندان‌ها و مباحثی از این دست صرف می‌شود، تنها در سال ۱۹۹۷، ۳۶۰ میلیارد دلار (معادل ۴۲۴ میلیارد دلار به قیمت ۲۰۰۴) برآورد شده است. در بیشتر کشورهای به اصطلاح توسعه‌یافته (کشورهایی چون سوئیس، سنگاپور، آلمان، انگلیس، هنگ‌کنگ و...) بودجه‌های متعلق به پلیس سرانه هنگفتی را نشان می‌دهد. در مقابل برخی از کشورهای آفریقایی که از آنها به‌عنوان کشورهای عقب‌مانده و جرم‌خیز یاد می‌شود، سرانه بودجه پلیسی قابل ملاحظه نیست؛ برای نمونه سرانه هزینه پلیس برای هر فرد در سال ۱۹۹۷ در سوئیس حدود ۲۷۰ دلار است. این امر بدان مفهوم می‌باشد که کشورهای توسعه‌یافته در ورای ادعای موفقیت در کاهش جرائم، هزینه‌های سنگینی را می‌پردازند. این هزینه‌ها برای ایجاد اقتدار و یا برخوردی فیزیکی اختصاص داده می‌شود و کاهش جرائم به‌طور جدی به این هزینه‌ها وابسته است (Farrell & Clark: ۲۰۱۱).

تحقیقات گسترده‌ای با هدف مطالعه ارتباط بین معنویت، مذهب و کاهش جرائم انجام شده است؛ نتایج این پژوهش‌ها نشان می‌دهد رخدادها، زمان‌ها و موقعیت‌های معنوی مانند ماه مبارک رمضان و محرم بر رفتار افراد مذهبی و حتی غیرمذهبی مؤثر است (صادقی‌پور و همکاران، ۱۳۸۰). برای نمونه در سال ۱۳۹۶، پژوهشی به بررسی رابطه ماه مبارک رمضان با میزان بروز تصادفات و دیگر آسیب‌ها و مقایسه آن در زنان و مردان پذیرش شده در اورژانس بیمارستان‌های شهر کرمانشاه از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۷ پرداخت؛ نتایج مقایسه میزان بروز آسیب‌ها بین دو گروه زنان و مردان در ماه رمضان و دیگر ماه‌ها براساس روش تحلیل واریانس، حکایت از تفاوت معنادار میزان آسیب‌های همراه با درگیری با سلاح گرم، نزاع و زدوخورد و تصادفات در ماه مبارک رمضان و سایر ماه‌های سال بوده

متعال،^۱ اعتدال و میانه‌روی، خیرخواهی، حسن خلق با دیگران و وفای به عهد است (رک: مهدوی کنی، ۱۳۸۵؛ مصباح یزدی، ۱۳۹۱). در بعد اجتماعی در ورای هر یک از فرامین سلبی و یا ایجابی، منافع و مضرات مادی فراوانی نهفته است که شاید عدم پژوهش در خصوص خسارت‌های مادی ناشی از بی‌اهتمامی به آنها، مسائل اخلاقی را در حاشیه مباحث علمی و سیاستی قرار داده است. التزام نداشتن به برخی اصول اخلاقی، افراد و جامعه را در ورطه آسیب‌ها و مشکلات فراوانی می‌افکند؛ برای مثال دوری از اصولی چون قناعت‌ورزی و اعتدال و میانه‌روی در مشی مادی و اقتصادی، ابتلا به اسراف، اتلاف، بخل‌ورزی و حرص، تکاثرطلبی و کنش‌ورزی می‌کشاند. هرچند همه این آسیب‌ها نشئت گرفته از بیماری‌های روحی و معنوی انسان‌هاست، اما پیامدهای مخاطره‌آمیز فراوانی را در ابعاد اقتصادی بروز می‌دهد.

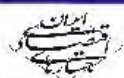
تمایل به فخرفروشی مادی و جدایی از عنصر قناعت یکی از نمونه‌های بارزی است که عواقب خطرناکی را به دنبال دارد؛ در کتاب‌های متداول اقتصادی مسئله «انتظارات» جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص می‌دهد و اهمیت آن به‌صورت روزافزون در پژوهش‌های اقتصادی نمایان و نظریات فراوانی در مورد نحوه شکل‌گیری و مدیریت آن ارائه می‌شود. هرچند بیشتر مباحث انتظارات در ادبیات اقتصاد متعارف پیرامون دو عنوان «انتظارات عقلایی»^۲ و «انتظارات تطبیقی»^۳ صورت می‌پذیرد، اما در این مباحث، تحلیل نحوه شکل‌گیری انتظارات، براساس مبانی لیبرالیسم و بر پایه پیش‌فرض‌های آن انجام می‌گیرد. شاید بتوان گفت وجه اشتراک این تحلیل‌ها برای توضیح و تبیین انتظارات اقتصادی شکل گرفته در رفتارهای اقتصادی همان تلاش برای بازیگری بهتر در کسب سود بیشتر و یا فرار از زیان‌های احتمالی است.

در جامعه‌ای با حاکمیت معنویت، آنچه دنبال می‌شود؛ نه پوشش برای برنده‌شدن در مسابقات چشم و هم‌چشمی و نه تطبیق مصرف فعلی خود با گذشته خود و دیگران و نه توجیهات دیگر است؛ آنچه از سوی حاکمیت به‌صورت مستمر دنبال می‌شود، تنظیم انتظارات

۱. ... وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا (طلاق، ۳-۲).

2. Rational expectations

3. Adaptive expectations



سیاست‌های اقتصادی مشخص خواهد بود. اصل نخست در سیاست‌های کلی دستیابی به اهداف معنوی تعیین شده در شریعت اسلامی است. برای رسیدن به این هدف متعالی منابع و ابزارهای اقتصادی نیز به خدمت گرفته می‌شوند. از سوی دیگر با توجه به جامعیت دین مبین اسلام و نگاه همه‌جانبه‌گرایانه آن برای پاسخ‌گویی به نیازهای لازم برای در دسترس بودن رشد معنوی در ابعاد فردی و اجتماعی، حرکت درست در مسیر آموزه‌های اسلامی نیازهای مادی و اقتصادی لازم را برای رسیدن به رشد معنوی مطلوب مهیا خواهد ساخت.

دین مبین اسلام با داعیه جامعیت برای سعادت بشری نسبت به بخشی از مادیات که بشریت برای سعادت خود نیازمند است، بی‌تفاوت نیست؛ از این رو بی‌گمان حرکت درست در مسیر معنویت پیشرفت اقتصادی موردنظر اسلام را به دنبال خواهد داشت، ولی به سبب آثار سلبی یاد شده، حرکت در مسیر پیشرفت و رشد محض مادی بدون توجه به معنویات، لزوماً نمی‌تواند پیشرفت معنوی را محقق و تأمین کند. مباحث آمده در ذیل نحوه اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی، راهکارهای مفیدی از آموزه‌های اسلامی برای دستیابی توأمان معنویت اسلامی و پیشرفت اقتصادی موردنظر خود را در برابر پژوهشگران و سیاست‌گذاران قرار می‌دهد.

بررسی منابع اسلامی با استفاده از روش داده‌بنیاد، راهبردهای متنوعی را ارائه می‌کند که می‌توان همه این راهبردها را با عنوان «زیست مؤمنانه» تجمیع کرد. زیست مؤمنانه عنوان جامعی است که در سال‌های گذشته در برخی پژوهش‌های اسلامی مطرح شده است (ر.ک: مطالعات مرتبط در بخش پیشینه). بسط عنوان «زیست مؤمنانه» نیازمند پژوهشی مجزا خواهد بود، اما فی‌الجمله هرآنچه در ذیل مقولات به‌دست آمده نسبت به اثرگذاری متقابل معنویت اسلامی استخراج و تشریح شد؛ اعم از شرایط علمی، زمینه‌ای و مداخله‌گر بیانگر نقشه راه، شرایط و مسیر دستیابی به چگونگی زیست مؤمنانه برای برخورداری توأمان از پیشرفت معنوی و مادی است. آموزه‌های یادشده در بردارنده مظاهر معنویت اسلامی در ابعاد عرفانی، اعتقادی، شرعی و اخلاقی است؛ راهبرد زیست مؤمنانه شامل فرامین و آموزه‌های شرعی و اخلاقی است که برخاسته از نگرش توحیدی و دارای آثار مستقیم و غیرمستقیم بر پیشرفت اقتصادی است.

است (محسنی و یوسفیان، ۱۳۹۶). هرچند روند کاهش آمار جرائم در ماه‌های مذهبی در تمام نقاط کشور یکسان نیست، ولی آمارها نشان‌دهنده کاهش دست‌کم ۴۰ درصدی جرائم در ماه محرم است (میرخلیلی و جلالی، ۱۳۹۵).

۴-۵. پیامد

آنچه در پدیده «اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی» به‌عنوان پیامد دنبال می‌شود، عنصری مشخص است. در این پدیده ضمن بررسی شرایط علمی، مداخله‌گر و زمینه‌ای به دنبال حداکثرسازی پیشرفت اقتصادی هستیم؛ پیامد مدنظر پیشرفتی بهینه خواهد بود که از نظر کمی و کیفی با بهره‌برداری بهینه، مراعات و اتیان شرایط سه‌گانه مذکور حاصل خواهد شد؛ اکنون پس از تبیین مقوله‌های موجود در ضمن شرایط علمی، مداخله‌گر و زمینه‌ای می‌توان به‌خوبی درک کرد که پیشرفت اقتصادی حاصل در این پدیده در صورت فراهم شدن مقولات ایجابی و اجتناب از مقولات سلبی، رشدی طیب و پایدار، همراه با عدالت و توأم با شکوفایی استعدادهای وجودی انسان‌هاست.

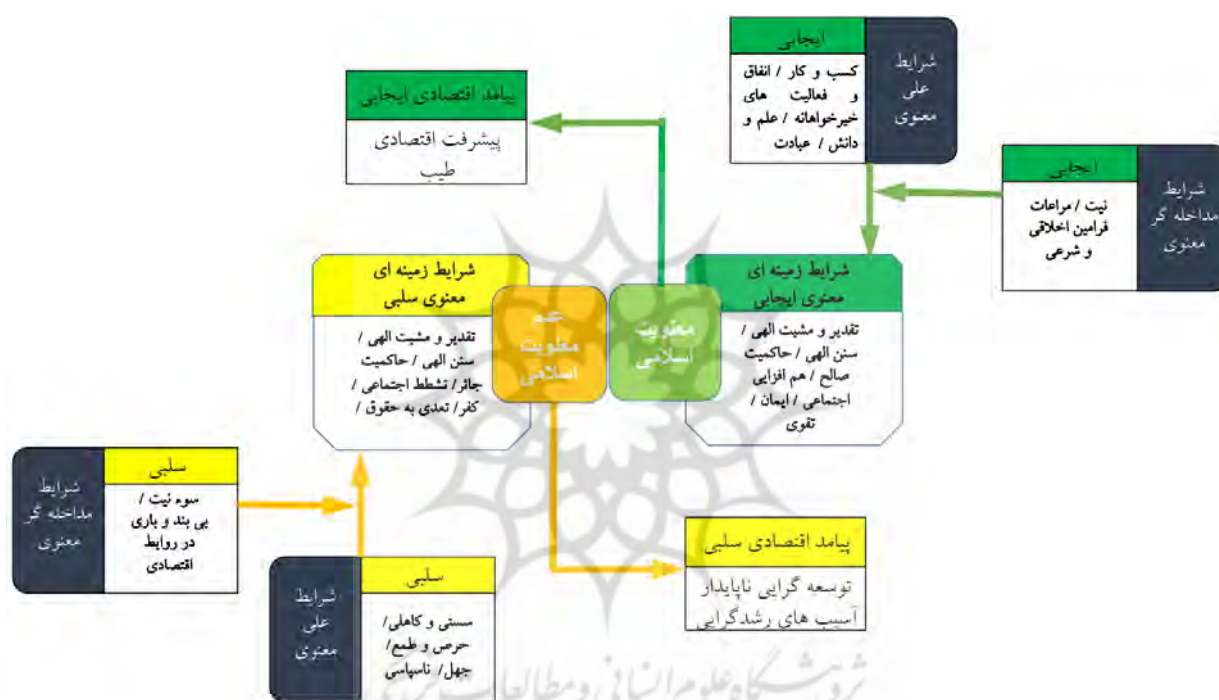
پیامد رشد در این الگو، ویژگی‌های خاص خود را دارد. همراه بودن رشد مادی با معنویت و عدالت، ضمن تحقق هدف رشد جامعه، در بردارنده این نکته مهم و اساسی است که تحقق هم‌زمان این سه عنصر با یکدیگر سبب پایداری رشد خواهد بود، زیرا رشد بدون عدالت موجب چالش‌های اجتماعی و در نتیجه افزایش هزینه‌ها در مسیر رشد خواهد شد؛ همچنین رشد بدون معنویت عامل تهی شدن انسان‌ها از درون و آسیب‌زا شدن مواهب رشد خواهد بود. در مجموع می‌توان ادعا کرد که برآیند این سه در الگوی زیست مؤمنانه دارای رجحان جدی است؛ به دیگر سخن، هرچند ممکن است برای تحقق عدالت و معنویت، در کوتاه‌مدت مقداری از رشد کمی را بکاهیم و فدای اهداف عدالت‌خواهانه و معنویت کنیم و بدین ترتیب در این جامعه در مقایسه با الگوی سکولار رشد کمتری را شاهد باشیم، اما براساس آموزه‌های قرآن و احادیث، رشد منهای عدالت و معنویت، پایدار و نجات‌بخش نخواهد بود.

۵-۵. راهبرد

پیشرفت معنوی لوازمی دارد و پیشرفت اقتصادی یکی از این لوازم است. با این راهبرد بنیادین تکلیف ما در چگونگی طراحی و اجرای

و سلبی در قالب نمودار بصری «ب» قابل مشاهده است؛ در این نمودار روند اثرگذاری ایجابی و سلبی بدین صورت بیان می‌شود که با فراهم بودن شرایط زمینه‌ای (سلبی/ ایجابی)، شرایط علی (سلبی/ ایجابی) متناسب با نوع، کمیت و کیفیت مقولات زمینه‌ای و علی، پیامدهای اقتصادی متفاوتی را به دنبال خواهد داشت؛ ضمن آنکه در مسیر اثرگذاری شرایط علی، عناصر شرایط مداخله‌گر موجب تقویت (ناظر به مقولات مداخله‌گر ایجابی) و تضعیف (ناظر به مقولات مداخله‌گر سلبی) آنها خواهند شد.

آنچه در مقابل فرایند ایجابی قابل رهیابی و بررسی است، روند سلبی در فرایند مذکور است؛ عدم تحقق زمینه‌ها، علل و شرایط مداخله‌گر به صورت ایجابی و سازنده، و گسترش مقولات کاهنده و زیان‌ساز برای معنویت اسلامی، آثار مخربی را برای پیشرفت اقتصادی به دنبال دارد که حاصل پیروی از راهبرد «زیست سکولار» به‌شمار می‌رود. اگرچه در این مقاله محال کافی برای تبیین ساختار سلبی وجود ندارد، اما نتایج این بررسی برای پدیده محوری «اثرگذاری معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی» در دو بعد ایجابی



الگوی بصری ب: «روند اثرگذاری ایجابی و سلبی معنویت اسلامی بر پیشرفت اقتصادی»

نظم الهی استوار است؛ انسان از بسیاری عوامل، آثار و تأثیرات بی‌خبر و از درک آنها ناتوان می‌باشد؛ شاید در نظر انسان بسیاری از عوامل معنوی ارتباطی با امور اقتصادی نداشته باشند، اما آموزه‌های معنویت اسلامی ابواب مهمی از این ارتباطات را در برابر ما می‌گشاید. نظام ارتباطی برای اثرگذاری معنویت بر روند پیشرفت اقتصادی را می‌توان در چهاربخش عمده تقسیم کرد؛ بخشی بیان‌کننده شرایط علی و سببی، بخش ارائه‌دهنده شرایط زمینه‌ای و قسم دیگر نمایانگر عناصر مداخله‌گر خواهند بود. ضمن آنکه بخش چهارم به‌عنوان یک رهیافت

۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله با استفاده از روش داده‌بنیاد، کیفیت اثرگذاری «معنویت اسلامی» بر پیشرفت اقتصادی تحلیل و بررسی شد. نتایج پژوهش ضمن تأیید اثرگذاری معنادار و مستقیم معنویت بر کیفیت و کمیت پیشرفت اقتصادی، این نکته را گوشزد می‌کند که به دلیل آثار منحصر به فرد عناصر معنوی، نمی‌توان سایر مؤلفه‌های مادی را جایگزین عناصر معنوی کرد.

در نظام خلقت خدای متعال همه‌چیز حساب‌شده و براساس

بهره‌برداری و یا عدم استفاده درست از داشته‌های مادی و معنوی خود در معرض ابتلا و امتحان هستند. اثبات سازگاری کلی میان بعد مادی و معنوی بشر و جدایی‌ناپذیری آنها از ذات انسان، به‌هیچ‌وجه به معنای عدم وجود تراحم میان آن دو بعد و آثار آنها نیست. وجود سوء برداشت‌های گوناگون از معنویت و یا فهم نادرست از رشد مطلوب موجب درک نادرست از روابط حاکم میان امور مادی و معنوی می‌شود.

جامع برآمده از سه بخش دیگر، برنامه نظری و عملی برای رسیدن به پیشرفت اقتصادی مدنظر آموزه‌های اسلامی را به ارمغان می‌آورد؛ پیشرفتی که پیمودن مسیر آن، مرکبی برای سعادت، رشد و تکامل در حیات ابدی انسانی را به دنبال دارد. در مقام عمل هیچ‌یک از دو شأن مادی و معنوی در حیات انسان انفکاک‌پذیر نیست. این پژوهش ضمن ارائه جزئیات اثر معنویات بر امور مادی، این نکته اصولی را یادآور می‌شود که انسان‌ها نسبت به برخورداری‌ها و محرومیت‌ها،



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبه‌الله (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، گردآورنده شریف الرضی، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، خصال، مصحح علی‌اکبر غفاری، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
۳. آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۶)، تربیت و رشد معنوی در دوران نوجوانی، تهران: مرکز نشر الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی.
۴. توکلی، محمدجواد و امید ایزانلو (۱۳۹۵)، «تحلیل کارکردی سبک زندگی اقتصادی مطلوب در اسلام»، دوفصلنامه علمی تخصصی پژوهش‌نامه سبک زندگی، س ۱، ش ۲، بهار و تابستان، ص ۴۷-۷۰.
۵. ثابت، عبدالحمید؛ نصرالله نظری و محمدعلی نظری (۱۳۹۴)، ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام، قم: نشرالمصطفی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعة، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌البیت عَلَيْهِمُ السَّلَام.
۷. حویزی عروسی عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵)، تفسیر نور ثقلین، چ ۴، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۸. دانایی‌فرد، حسین و سیدمجتبی امامی (۱۳۸۶)، «استراتژی پژوهش‌های کیفی: تأملی بر نظریه داده بنیاد»، اندیشه مدیریت، س ۱، ش ۲، ص ۹۷.
۹. درودی هما (۱۳۸۴)، فرهنگ کار از دیدگاه اسلام، مجله کار و جامعه، ش ۶۳.
۱۰. زنجیری، محمد حسین (۱۳۸۴)، سنت‌های الهی در پاداش و کیفر، قم، مرکز پژوهش‌های صدا و سیما، اول.
۱۱. شریفی، محمود (۱۳۸۷)، کسب و کار از دیدگاه اسلام، فرهنگ کوثر شماره ۷۳.
۱۲. شیرافکن، محمود (۱۳۹۷)، «بررسی نقش نماز در پیشگیری از وقوع جرم و جنایت»، معارف فقه علوی (ویژه‌نامه همایش ملی نماز، تعالی فردی و اجتماعی)، س ۴، اردیبهشت، ص ۱۵۷-۲۰۴.
۱۳. صادقی پور، حسین؛ نصرالله رضایی قلعه، بهنام سیاه کلاه، فریدون عزیزی (۱۳۸۰)، «اثر ماه رمضان بر تعداد موارد اقدام به خودکشی»، مجله غدد درون‌ریز و متابولیسم ایران (ویژه‌نامه خلاصه مقالات کنگره روزه داری و سلامت)، دوره ۳، ص ۳۴.
۱۴. صدر، محمدباقر (۱۳۹۳)، سنت‌های تاریخ در قرآن، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۴)، تهذیب الاحکام، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. عاملی، بهاء‌الدین محمد بن حسین؛ ساوجی، نظام بن حسین (۱۴۲۹)، جامع عباسی و تکمیل آن، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۸. عسگری، محمد مهدی و ابوالقاسم توحیدی‌نیا (۱۳۸۶)، «تأثیر سرمایه اجتماعی (معنوی و مذهبی) بر رشد و توسعه اقتصادی»، جستارهای اقتصادی، دوره ۴، ش ۸، ص ۹۹-۱۲۰.
۱۹. کاشانی، انسیه و محمدتقی نظریور (۱۳۹۷)، «جایگاه سنت رزق در پیشرفت اقتصادی توحیدی از دیدگاه قرآن کریم»، راهبرد توسعه، ش ۵۶، ص ۶۴-۸۱.
۲۰. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، ج ۸، چ ۴، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی، پژوهشگران مرکز تحقیقات دارالحدیث، چ ۱، قم: دارالحدیث للطباعة و النشر.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۱۰)، بحارالأنوار، چ ۱، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر.
۲۳. محسنی، غلامرضا؛ راضیه یوسفیان ملا (۱۳۹۶)، رابطه ماه مبارک رمضان با میزان بروز تصادفات و دیگر آسیب‌ها و مقایسه آن در زنان و مردان پذیرش شده در اورژانس بیمارستان‌های شهر کرمانشاه در سال ۱۳۸۰-۱۳۸۷، پژوهش در دین و سلامت، زمستان ۱۳۹۶، دوره ۴، شماره ۱، از صفحه ۳۴ تا صفحه ۴۴.

۲۴. محمدی ری شهری و حسینی (۱۳۸۰)، التنمية الاقتصادية، قم، دار الحديث، اول.
۲۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۱)، اخلاق در قرآن، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۶. مصباحی مقدم، غلامرضا؛ مهدی رعایایی و مهدی همتیان (۱۳۹۲)، «مؤلفه‌های غیرمادی رشد اقتصادی از منظر قرآن کریم»، مطالعات اقتصاد اسلامی، س ۶، ش ۱ (پیاپی ۱۱)، پاییز و زمستان، ص ۶۱-۹۰.
۲۷. مطهری، مرتضی (بی تا)، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، تهران: صدرا.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱)، تفسیر نمونه، ج ۲۸، چ ۱۰، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۲۹. مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۸۵)، نقطه‌های آغاز در اخلاق عملی، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام).
۳۰. میرخلیلی، سید محمود و محمدرضا جلالی (۱۳۹۵)، «تحلیل جرم‌شناسانه جرایم با انگیزه دینی»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، ش ۲۸، تابستان، ص ۸۷-۱۱۰.
۳۱. میرمعزی، حسین (۱۳۸۹)، yun.ir/j5nck1.
۳۲. نصیری، مهدی (۱۳۹۹)، فناوری و دیدگاه علمای حوزه علمیه بررسی میدانی براساس روش نظریه بنیانی، چ ۱، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
33. Graham Farrell and Ken Clark (2011), What does the World spend on Criminal Hammerli, Maria, "Religion and Spirituality between Capital and Gift", Religion & Theology.

